

بانکداری اسلامی و حرمت ربا در اسلام

میثم احمدی^۱، مرتضی غلامیان^۲، حسینعلی کیخا^۳

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه نهران (نویسنده مسئول).

^۲ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

^۳ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

در مورد حرمت ربا در اسلام هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد و فقیهان با استدلال به نص آیات و روایات و همچنین اجماع فقیهان بر حرمت هیچ جای تردیدی بر حرمت ربا قائل نیستند. نگارندگان پس از بررسی ادله حرمت ربا و تتبع در راهکارهای فقهی بر این باوراند که با توجه به برخی از عقود اسلامی از قبیل مضاربه می‌توان سود تسهیلات را توجیه نمود. بی تردید هنگامی که در اسلام بحث از بانکداری اسلامی به میان می‌آید توقع آن است که بر اساس کلیه موازین اسلامی باشد و از هر گونه نگرشی خارج از حوزه اسلام پرهیز شده و از کلیه ظرفیت‌های اسلامی در این زمینه بهره برداری گردد.

واژه‌های کلیدی: بانک، ربا، تسهیلات بانکی، وام، قرض الحسنه

مقدمه

حرمت ربا از مسائل بسیار مهم اسلامی است که در آیات و روایات بازتاب گسترده ای دارد و این صراحت تا جایی است که از صدر اسلام تا کنون هیچ فقیهی در اسلام در حرمت ربا اندکی شک نداشته است؛ اما در عصر کنونی آنچه بسیار مهم است با توجه به پیشرفت بشر و تغییر زندگی و نوع معاملات در بسیاری از موارد در مصادیق ربا بین فقیهان اختلاف وجود دارد. یکی از مهمترین مسائل پیش رو در جوامع کنونی بحث سود در نظام بانکداری اسلامی است.

نیاز مردم به بانک و در مقابل، نیاز بانک ها به مردم بر هیچ کسی پوشیده نیست؛ بانک ها در گذشته بیشتر جنبه ای در جهت حفظ اموال مردم داشتند و حتی در قبال حفظ اموال مردم از آن ها وجهی نیز دریافت می کردند اما با گذشت زمان بانک صبغه پیشین خود را از دست داد و به فکر این افتادند تا با اموالی که از مردم در دست دارند به تجارت بپردازند و آنها را نیز در این سود شریک کنند این رویه هر چند بسیار مفید و قابل تمجید است اما باید توجه داشت که پیشرفت در این زمینه باید در چارچوب موازین اسلام صورت پذیرد والا توده ی عظیمی از مردم جامعه در چنگال ربا و رباخواری افتاده و جامعه رو به تباهی می گراید؛ اما باید به این نکته توجه داشت که حذف بانک از نظام اقتصادی در جامعه کنونی غیر ممکن و غیر معقول است و هر کس بر این باور است که باید بانک ها از نظام اقتصادی حذف شوند در اشتباه بزرگی به سر می برند چرا که اگر بانک نباشد یا چرخهای اقتصاد به کلی متوقف می شود و یا با مشکلات بزرگی مواجه خواهد شد. بنابراین نه باید و نه می توان بانک را از زندگی کنونی حذف کرد، بلکه باید اصلاح و اسلامی شود و این دو، از هم جدا هستند.

نوشتار پیش رو در صدد آن است تا ابعاد مختلف در مورد سودهای بانکی را با نگرشی فقهی به نظاره بنگردد.

۱. ادله حرمت ربا

آنچه مسلم و قطعی است و هیچ گونه شک و شبهه ای در میان فقیهان در مورد آن وجود ندارد بحث حرمت ربا است، از دیدگاه دین مقدس اسلام هر گونه ربا و رباخواری حرام است و این مهم به صراحت در آیات و روایات و اجماع فقیهان متجلی گردیده است.

۱.۱. قرآن

آنچه با سیر در آیات قرآن کریم به شکل بین بالمعنی الاخص آشکار است تقبیح و مذمت شدید ربا در قرآن می باشد؛ اما این مهم در جای جای قرآن کریم با الفاظ و اشکال مختلفی متبلور گردیده است.

ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید! (آل عمران ۱۳۰)

کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد، گاهی بپا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست).» در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد)؛ و کار او به خدا واگذار می شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می مانند. (بقره ۲۷۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید!

(بقره ۲۷۸)

اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماسست (اصل سرمایه، بدون سود)؛ نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود. (بقره ۲۷۹)

در دوران جاهلیت وقتی فردی به دیگری پولی قرض میداد اگر در مورد مقرر بدهی اش را تادیه نمی‌کرد طلبکار به ازای تاخیر از فرد مقدار بیشتری از مال مورد قرض وصول می‌کرد (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۰۴، ۱۳۷۷ ش).^۱ مشخصاً اخذ ربا مورد تأیید شارع نبوده و آن را به شدت تقبیح می‌کند. بی تردید اهتمام شارع بر نفی ربا و اهمیت ویژه آن و تأکید در جای جای قرآن از مباحثی است که نیازمند احتیاط و دقت عمل فراوانی است.

۱.۲. روایات

فارغ از آیات فراوانی که در باب مذمت و حرمت ربا وارد شده است روایات فراوانی در این خصوص وارد گردیده است.

از رسول اکرم روایت شده است: خداوند ربا خوار و ربا گیرنده و شاهد و کاتب بر ربا را لعنت کند.

(ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۵، ص ۱۰۷۱، ۱۴۰۶ ق؛ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۷، ۱۴۰۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۰، ۱۴۰۳؛ بروجردی، جامع احادیث الشعه، ج ۲۳، ص ۴۴۲، ۱۳۸۶).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: از امام صادق (ع) روایت شده است: یک درهم ربا شنیع تر از هفتاد بار زنا است که همگیشان با محارم باشد.^۲ (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۴۴، ۱۴۰۷ ق؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۴، ۱۴۱۳ ق؛ کاشانی، الوافی، ج ۱۷، ص ۳۷۵، ۱۴۰۶؛ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۷۷، ۱۴۰۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۳، ۱۴۰۳؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۴۳۰، ۱۳۸۶)

۱.۳. اجماع

علاوه بر آیات و روایاتی که به وضوح دال بر حرمت هر گونه ربا خواری دارند، اجماع فقیهان نیز بر این مطلب اقامه شده است؛ بلکه فقیهان معتقدند که حرمت ربا از ضروریات دین است. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۳۳۲، ۱۴۰۴). هرچند که این اجماع مدرکی است و مهمترین دلیل بر حرمت ربا آیات و روایات وارده است اما اجماع از این جهت که هیچ فقیهی در این حکم مخالفتی ندارد مفید فایده است.

۲. انواع ربا

آنچه با تتبع در سخنان فقیهان و فتاوی آنان در مورد شرایط و نحوه آن آشکار است این مطلب است که فقیهان ربا را به دو قسم تقسیم می‌کنند.

۱.۲. ربای معاوضی

ربای معاوضی در گذشته به این دلیل که بیش تر معاملات به صورت کالا به کالا بوده مورد توجه فقیهان قرار گرفته و الا در عصر حاضر ربای معاوضی بسیار نادر است. فقیهان برای تحقق ربای معاوضی چند شرط کرده اند:

۱. جنس، مکیل یا موزون باشد و معدود نباشد بنابراین معاوضه ۳ گوسفند بزرگ با ۴ گوسفند کوچک داخل در ربا نیست چه آنکه گوسفند از کالاهای شمردنی است. (موسوی خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۵۴۱، ۱۴۴۲).

^۱ - علاوه بر آیات فوق آیات دیگری نیز در خصوص ربا وارد شده است که به سبب پرهیز از اطاله مطلب از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

^۲ - روایات وارده در خصوص حرمت ربا فراوان است و در نوشتار از ذکر همه آنان خودداری شده است.

۲. دو جنس هم وزن نباشند، بلکه وزن یکی بیشتر از دیگری باشد؛ مثل این که یک کیلو گندم داده و دو کیلو گندم پس گرفته شود، هر چند اولی از نوع مرغوب و دومی نامرغوب باشد (همان).
۳. طرفین معامله از یک جنس باشد؛ مثل این که گندم را در مقابل گندم بدهد (همان).

۲.۲. ربای قرضی

ربای قرضی آن است که فردی به دیگری مالی قرض دهد و شرط زیادت نماید خواه زیادی عین باشد خواه دین. (مکارم شیرازی، الربا و البنک الاسلامی، ص ۶۱، ۱۴۴۲). آنچه در عصر امروز مورد ابتلا جوامع است همین نوع ربا است والا معاملات معاوضی بسیار نادر اتفاق می افتد.

۳. نظام بانکی

در مورد نظام بانکی بایست دو مقوله را به طور مجزا مورد ارزیابی قرار داد؛ یکی بحث بهره در وام های بانکی و دیگری بحث بهره و سود در سپرده های بانکی است.

۴. سود های بانکی

بحث سود و سوددهی از مسائل مورد اختلاف میان فقیهان است. همانطور که گفته شد ربا از مسائلی است که به دلیل اینکه به صراحت مورد نکوهش قرار گرفته و هیچ کس در حرمت آن شک و شبهه ای ندارد و صراحتاً ربا در حکم جنگ با خدا خوانده شده فقیهان در خصوص آن بسیار محتاطانه عمل می کنند.

آنچه مسلم است صرف گذاشتن وجه و مال در بانک و گرفتن سود در وعد مقرر مصداق بارز ربا می باشد به همین دلیل باید هر گونه سود در قالب عقود اسلامی تنظیم و مورد توافق قرار گیرد. یکی از راه هایی که در این خصوص می تواند مورد استفاده قرار گیرد آوردن سود در قالب عقد مضاربه است. مضاربه عبارت است از آنکه کسی مالی به دیگری بدهد که تجارت کند، به شرط اینکه حصه ای از انتفاع از او باشد (نراقی، انیس التجار، ص ۲۹۱، ۱۴۲۵؛ انصاری، صیغ العقود و الایقات، ص ۱۱۹، ۱۴۲۱). عمده تفاوت بانک های اسلامی و غیر اسلامی در این خصوص آوردن سودها در همین عقود شرعی است. بانکهای غیر اسلامی از یک طرف سپرده های مردم را قبول می کنند و سودی به شکل ربا به آنها می پردازند و از طرف دیگر همین سپرده ها را به دیگران واگذار می کنند و سود بیشتری به عنوان ربا دریافت می کنند، که این عملکرد صددرد حرام و ربا بلکه حرام مضاعف است.

ولی بانکهای اسلامی با این سپرده ها، طبق عقود شرعیه قرارداد می بندند و وارد کارهای تولیدی می شوند و سود حاصله را طبق توافق قبلی تقسیم می کنند.

آنچه در اینجا قابل تامل است این نکته است که مضاربه در اینجا دو مشکل مهم دارد:

- ۱- این که در مضاربه های بانکها، معمولاً سود سرمایه گذار را به صورت درصدی از اصل پول می دهند؛ مثلاً می گویند سپرده های کوتاه مدت ۱۰ درصد، میان مدت ۱۲ درصد و درازمدت ۱۵ درصد، در حالی که در مضاربه، شرعاً باید سود سرمایه گذار به صورت سهم معینی از مجموع درآمد باشد؛ مثلاً ۵۰ درصد بهره حاصل شده از کار تولیدی یا تجاری.

۲- در مضاربه سرمایه‌گذار (که به او مالک می‌گویند) و کسی که با سرمایه تجارت یا کار تولید می‌کند باید هر دو در سود و زیان شریک باشند، در حالی که در بانکها، سرمایه‌گذار فقط در سود، شریک بانک است ولی در ضرر و زیان شریک نیست و این هم خلاف عقد مضاربه است.

مشکل اول را می‌توان از این طرق حل کرد که سرمایه‌گذار، دو وکالت به بانک می‌دهد، نخست این که به بانک وکالت مطلقه‌ای دهد که این پول را در هر نوع کاری که مایل باشد سرمایه‌گذاری کند و با آن کار کند و هر مقدار سهم معقول و منطقی که خواست برای او در نظر بگیرد.

دوم این که به بانک وکالت می‌دهد که سهم او را از سود، به مبلغ معینی مصالحه کند و آنچه به او ماهیانه یا هر سه ماه می‌پردازد، علی الحساب است و بعد از بهره‌وری محاسبه می‌شود و با این دو وکالت مشکل اول، یعنی تعیین سود در مقدار معین حل می‌شود. (مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، ص ۱۳۳-۱۳۴، ۱۴۲۲).

۵. بهره تسهیلات

یکی از مشکلات مهم در نظام بانکداری غیر اسلامی بحث ربا در سیستم وام دهی بانک است که در واقع نوعی قرض است. آنچه در نظام بانک داری اسلامی مورد توقع است شکل وام دهی به گونه قرض الحسنه است که متأسفانه در سیستم بانکداری به ندرت اتفاق می‌افتد و وام‌ها نوعاً دارای بهره می‌باشند این نوع وام دهی مخصوصاً در صورت بهره‌های زیاد و بیش از حد متعارف و نرخ تورم در جامعه، نوعی شکل ربا گونه دارد و قابل بررسی است.

این گونه وام دهی در نظام بانک داری اگر بر حسب نرخ تورم و شاخص تورم در جامعه باشد قابل توجیه است مخصوصاً اگر ارزش آن مقدار مال در کاهش چشم‌گیری پیدا کرده باشد؛ اما معمولاً این نرخ بهره قبل از اندازه‌گیری و میزان شاخص از فرد گرفته می‌شود. به هر حال باید در این شیوه در نظام بانک داری اسلامی نگرشی جدید و باز بینی صورت گیرد. بی تردید گرفتن سود در وام با بهره‌های گزاف توجیه فقهی ندارد.

بنابراین در وام و قرض الحسنه شرط زیاده جایز نیست؛ مثل این که مالی را قرض دهد مشروط بر این که زیادت از آنچه داده است بگیرد و تفاوتی نیست بین این که شرط به صورت صریح در قرارداد وام آمده باشد یا به صورت شرط ذهنی، به گونه‌ای که قبلاً گفتگوهای سود و بهره شده و قرارداد وام با توجه به آن انجام می‌گیرد، بی‌آنکه صریحاً سخنی از سود هنگام قرارداد رسمی به میان آید و این همان ربای قرضی حرام است که شدیداً از آن نهی شده است. به هر حال آنچه در جامعه اسلامی مورد توقع است بازنگری در شیوه گرفتن سود در وام‌ها و ایجاد فضایی سالم و خارج از هر گونه ربا است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده نتایج ذیل قابل استنباط است:

۱. با توجه به آیات و روایات و اجماع هر گونه ربا و ربا خواری مطلقاً حرام است.
۲. با توجه به راهکارهای فقهی و عقود اسلامی از جمله مضاربه گرفتن سود در قبال تسهیلات قابل توجیه می‌باشد هر چند در مضاربه شرط است که مضارب و عامل در سود و زیان شریک باشند اما با توجه به ضمانت بانک در صورت زیان و پرداخت غرامت زیان می‌توان سود تسهیلات را توجیه کرد اما در خصوص سودها وام‌های بانکی، بانک‌ها باید در فکر چاره‌ای بر حذف کاهش سودهای بانکی در حد نرخ تورم باشند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ ق.
۴. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ۳۱ جلد، انتشارات فرهنگ سبز - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ش.
۵. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع (للإمام الخمينی)، ۵ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، اول، ۱۴۲۱ ه ق
۶. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، صیغ العقود و الإیقات (شیخ انصاری)، در یک جلد، مجمع اندیشه اسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ ه ق
۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۸. شیرازی، ناصر مکارم، الربا و البنک الإسلامی، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ ه ق
۹. طبرسی فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش
۱۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲۶ جلد، کتابخانه امام أمير المؤمنين علی علیه السلام - اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه ق
۱۵. نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، أنیس التجار (محشّی)، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۵ ه ق

Usury in the Islamic Banking System

Meisam Ahmadi¹, Morteza Gholamian², Hossein Ali Keikhah³

1. *PhD candidate of jurisprudence and fundamentals of Islamic law, University of Tehran (corresponding author)*

2. *Master of jurisprudence and fundamentals of Islamic law*

3. *Master of jurisprudence and fundamentals of Islamic law*

Abstract

There is no doubt about the prohibition of usury in Islam, and the jurists are by no means dubious about the religious prohibition of usury by reference to the Qur'an's verses and narratives from Imams, as well as the consensus of the jurists on this issue. After reviewing the reasons for religious prohibition of usury and reflecting on the jurisprudential approaches, the authors have concluded that the interests of bank loans can be justified based on some Islamic contracts such as Mudarabah although the interests of some granted loans which exceed the inflation rate can have no jurisprudential justification.

Keywords: bank, usury, bank facility, loan, debt.
